

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

تولد امام محمد باقر را به همه‌ی شیعیان، همه‌ی مسلمین تبریک می‌گوییم. ان شاء الله لایق باشیم که این تبریک ما را خودشان بپذیرند. البته ما امیدواریم که نه تنها بپذیرند جواب هم به ما بدهند، البته جوابی که از آنها انتظار می‌رود این است که در خودمان نگاه کنیم، یک تغییری باشد. در رشته‌ی علوم که می‌شمارند، جامعه‌شناسی را یک رشته‌ای می‌دانند یعنی می‌گویند غیر از افراد که سرنوشتی دارند، خود جامعه هم یک سرنوشت مستقلی دارد. البته نه تنها قرائنی بر صحت این امر هست بلکه با استدلال علمی هم خیلی‌ها معتقدند که چنین چیزی هست. ما هم نمی‌گوییم نیست. نخیر، هست منتها همیشه اوامر الهی و نیات خدا همانطوری که در اعمال افراد گاهی دیده می‌شود، همانطور در جامعه هم دیده می‌شود.

یک دوره قدرت خود اسلام و شروع اسلام بود و یک دوره انتقال قدرت سیاسی به آن دو نفر، جنبه‌ی عملی و الهی به علی، این هم یک دوره بود. تا بعد مردم دیدند که آخر علی هر دو جنبه را دارد، علی خلیفه شد. مردم فکر کردند که چون پیغمبر، هم جنبه‌ی سیاسی داشت و هم جنبه‌ی الهی، گفتند هر دو جنبه باید یکی باشد، علی باشد. بعد از همان جا معلوم شد نه، اینها باید دو تا باشند که حتی چندی بعد از قاتل امام حسین علیه السلام پرسیدند که مگر تو نبودی که امام حسین را کشتی؟ گفت: چرا، امر خلیفه بود باید انجام می‌دادم. امر خلیفه‌ای مثل یزید را باید برای کشتن نماینده‌ی واقعی خداوند انجام بدهد! اینطوری، سلطه‌ی دنیا بر آخرت. این هم یک مرحله‌ای است. با آمدن امام حسین و شهادت آن حضرت و این وقایع جامعه‌شناسان معتقد شدند که این دین و دنیا از هم جدا است و قدرت دنیا ثابت شد و از آنوقت دنیا حکومت را به دست گرفت.

به هر جهت در این جریان‌ات چون همیشه اهل دنیا و دنیا از عذاب الهی یک نگرانی دارند، واقعاً نمی‌ترسند، یک نگرانی دارند می‌لرزند، همیشه می‌خواهند این چراغ را خاموش کنند، البته نمی‌توانند: «هر آن کس پف کند یا ریشش بسوزد یا ریشه‌اش»، هر چی. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، اول رجب ۱۴۳۷ قمری، ولادت امام محمد باقر علیه السلام مطابق با ۱۳۹۵/۱/۲۱، جلسه خواهران ایمانی)

پندصالح را همه بخوانید، خیلی ساده است. عبارات ساده‌ای هم دارد. البته شرحی هم که برای آن دادیم، هست. خداوند هر موجودی را که آفریده یک طوری است که کامل است یعنی برای بشر تقسیم دارد: غذا باید بخورد، آب باید بخورد، ورزش یعنی حرکت داشته باشد، نماز داشته باشد،

یک قسمتِ اساسی اش خواب است، باید هر بشری یک مقدار معینی بخوابد، این برحسب مزاج است یعنی یک ربع شبانه روز یا نیم ربع باید بخوابد و اگر نخوابد، نمی تواند زندگی کند. گویانکه این خواب برای اولیاء الله در اختیار آنهاست. راجع به پیغمبر هم آن سوره ی نمی دانم مژمل است یا مدثر که از خواب بیان کرده که چقدر از زندگی باید بخوابی. بعد می فرماید که هر اندازه برایتان میسر است و می توانید، قرآن بخوانید. حالا یکی از آن دو که به دست خود ما نیست، هر چه خواب آمد. گاهی هم چند روز می شود خواب نمی آید ولی آن قسمتِ بعدی اش «قرآن بخوانید» در اختیار ماست. حالا که آن در اختیار ما نیست از اینکه در اختیار ماست باید بهره بگیریم. این است که دستور داده شده از اول اذان صبح بیدار باشیم تا طلوع آفتاب برای اینکه حدّ خواب مشخص باشد یعنی شب می خوابیم تا اذان صبح، اذان صبح بیدار بشویم. حالا اگر نمی توانید، جوائنرها نمی توانند بیدار شوند بیشتر یا به واسطه ی کم خوابی است یا به واسطه ی رطوبت هواست. کم خوابی هم به واسطه ی تماشا کردن تلویزیون است. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح یک شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۲)

هر یک از امامان بچه ی بزرگشان را که احتمال می دادند این جانشین امام خواهد بود، امام فعلی و بعداً این امام است مراقب بودند و او را یک جنبه احترامی می گذاشتند برای اینکه در واقع گول بزنند. علی بن الحسین علیه السلام در جنگ عاشورا حضور داشت، در خیمه بود. شهدای کربلا که آمده بودند، البته نیتشان این بود که دشمن را از بین ببرند و به این دلیل جنگ می کردند. حضرت امام زین العابدین (علی)، در آن روز تب سنگینی داشت مع ذلک وقتی صدای پدر را شنید که در صحرا می گوید: من کی هستم، من کی هستم، چرا با من جنگ می کنید؟ و بعد گفت: هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي علی بن الحسین فرزندش، خیلی ناراحت شد و زود بلند شد مشغول لباس پوشیدن که به جنگ برود. حضرت زینب مثل اینکه باز متوجه شدند یا چه کسی بود که دستش را گرفتند و گفتند: بنشین! تو باید بمانی، تو جانشین پدر هستی، باید بمانی.

از آن دوره باز یک دوره ی سالمی شد یعنی مسلم شد که امر الهی بر این است که کار حکومت به دنیایی ها سپرده شود و این است که دوران آرامشی شروع شد که اول مولود این دوران حضرت امام محمد باقر است. یک دوران آرامشی شروع شد که در زمان امامت حضرت باقر و حضرت صادق ادامه داشت و این دو نفر مجال و وقت داشتند که بسیاری از احکام اسلامی را بگویند و توضیح بدهند. به این جهت وقتی کسی روایتی می نویسد یا نمی داند این را امام باقر گفتند یا امام صادق، این دو تا را، هر دو یکطور می گویند. می گویند باقرین یعنی دو تا امام. حضرت باقر و حضرت صادق یا صادقین، به این جهت. یک دوران آرامشی که تمام کتب شیعه از فرمایشات این دو نفر است برای اینکه بعد از این دومتبه همان خشونت شروع شد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۱،

جلسه خواهران ایمانی)

بشر بطورکلی اینطوری است که برای خودش، قدرت و سلطنتی قائل است. عده‌ی کمی شاید به‌قولی از انگشتان دست تجاوز نکند، مثلاً می‌توانند به این وضعیت مسلط باشند و اینکه واقعیت را درک کنند و خودشان تصمیم واقعی بگیرند. غیر از این تمام بشر (یعنی هر مخلوقی، هر موجودی) می‌گوید من اختیار دارم که هر کار می‌خواهم، بکنم. البته اسم این اعتقاد را در جامعه گذاشتند «آزادی» و این کلمه‌ای است که هم در جامعه، هم از لحاظ فردی، در مورد معنایش افراط می‌شود.

همیشه فکر کنید قضاوتی که می‌کنید، این قضاوت اگر مطابق موازین الهی، موازین شرعی، باشد، برای شما صددرصد درست است یعنی خدا اجازه داده همانطور که قضاوت می‌کنید، رفتار کنید ولی اگر درست نباشد، در این صورت قضاوت هیچ اثری ندارد و از همین جا هم اختلافات بین افراد پیدا می‌شود. هر کدام قضاوت را، نظریه را، بر مبنای نظر خود و محور خود قرار می‌دهند یعنی مثل اینکه به این تصوّر است که دنیا آفریده شده برای اینکه من زندگی کنم. دنیا آفریده شده برای اینکه مخلوق خداوند زندگی کند. من هم یکی از این مخلوق هستم، اینطور فکر کنید درست است. نه اینکه دنیا برای من است و این مسأله در تربیت فرزندان خیلی مؤثر است و باید رعایت بشود. عادت دادن فرزند به اینکه اولاً همه چیزها منتسب به خدا باشد تا بداند که خالق بزرگواری هست که همه‌ی اینها در اختیار اوست. با این فکر، تصمیم بگیرید و قضاوت را منطبق با موازین شرعی کنید تا ان‌شاءالله هیچ گرفتاری و هیچ دیوار و مانعی در مقابل شما نباشد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۷، جلسه خواهران ایمانی)

بعضی‌ها به عنوان شکسته‌نفسی می‌نویسند: بدترین بنده ولی بدترین بنده، شیطان است. بنابراین ما هر چه هم بد باشیم در بدی به شیطان نمی‌رسیم. ننویسید «بدترین بنده»، بنویسید بنده‌ی حقیر، بنده‌ی گناهکار، از این چیزها. بطور مطلق هم شما از دیگران خبر ندارید. همانطوری که نمی‌توانید به خود بگویید «بهترین بنده» مگر خود خدا گفته باشد. این یک نکته که هم باید شکسته‌نفسی داشت و هم غرور، البته نه به آن معنای مذموم‌اش، بلکه اعتماد به نفس.

مسأله‌ی دیگر اینکه بعضی‌ها مطالبی می‌نویسند، مثلاً به مناسبت سال تشرّف‌شان و یادآوری می‌کنند. از این جهت خیلی خوب است که یادشان هست و به این مسأله یعنی مسأله‌ی تشرّف، اهمّیت خاصی می‌دهند چون قاعدتاً تشرّف باید در زندگی هر درویشی مهم باشد. چون آن شخصی که مشرّف می‌شود، قبلاً طالب بوده یعنی وقتی که چیز مفید و خوبی را مطالبه می‌کرده و می‌خواسته. بنابراین، آن چیزی را که شما مطالبه کردید، طالب بودید و به آن رسیدید، شاید از بهترین نعماتی باشد که خداوند به شما داده و کاملاً مناسب و خوب است که در سالروزش هم یادش باشید.

در آن تعهدات که با شما کرده‌اند، گفته‌اند که به همه‌ی خلق مهربان باشید. آیا شما مهربانی‌تان از یک سال پیش تا حالا که سالروز می‌گیرید، بهتر شده؟ امتحاناتی در زندگی

فراهم می‌شود، مثلاً یکی زندگی‌اش مشکل دارد، آیا دست‌تان می‌رسد که این مشکل او را حل کنید، آیا این قدم را برداشتید که حل کنید؟ اینها همه راههایی است که هر کدامش یک قدم، نیم قدم به سمت جلو است. اینها را هم بنویسید که خودتان بدانید. اگر خیلی هم جالب توجه است، بنویسید که دیگران هم بخوانند. البته توجه بکنید شما که می‌خواهید این کار را بکنید در ضمن آن کار، خودتان گناه نکرده باشید یعنی برای خودشیرینی و برای اینکه خودی نشان بدهید، نباشد که تصور کنید این خوبی‌ها را کردید.

به هرجهت این یک‌سالی که گذشته بیلان آن یک‌سال را بدهید یعنی ببینید چه کرده‌اید؟ چطور پیش رفته‌اید؟ آیا عمرتان بیهوده تلف شده؟ مثل شرکت‌های تجارتی باشید که هر سال گزارشی به مجمع عمومی می‌دهند، یکی بیلان گذشته را می‌دهند یعنی می‌گویند که ما تا حالا چه کار کردیم و یکی برنامه و جنبه‌ی کار آینده را. «حال» در واقع تماس دو تا معدوم است: گذشته و آینده. گذشته یعنی تاریخ قضایا، آینده هم یعنی ببینید می‌خواهید چه کار کنید، چه برنامه‌ای بریزید که ان شاء الله بیشتر و بهتر کار بکنید. در این صورت اگر باشد، بسیار خوب است. البته لازم نیست بیلان را به کس دیگر بدهید، بیلان را فقط خودتان باید بدانید. بدانید چه کرده‌اید و کجایش درست است، کجایش غلط است ولی برنامه را باید برای آینده بگذارید. آینده هم در اختیار ما نیست، هیچ شرکتی هم حتی آینده را صریحاً نمی‌گوید یعنی نمی‌تواند بگوید، خبر ندارد. اینها هر دو، هم بیلان و هم برنامه، در تصویب شرکت‌های تجاری مؤثر است. شما هم به همین طریق باید بیلان و برنامه را بنویسید که مورد تأیید جمعیت و مردم قرار بگیرد. در این کار هم همان یادبود سال که انجام بدهید، خودش حاصل می‌شود. ان شاء الله موفق باشید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۵)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پندصلح / شرح فریاشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعہ و مفتاح الحقیقہ) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امره معروف و نهی از منکر، مصافحه، عشق) / جزوات رفع شبهات باکزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ باکزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت کزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال @jozveh121 در برنامه‌ی تلگرام پیوندید.